

متن کامل و ترجمه

جهاد با نفس

از وسائل الشیعه

شیخ حرّ عاملی

ترجمه:

غلامحسین انصاری



شرکت چاپ و نشر بین الملل

شرکت چاپ و نشر بین‌الملل

نام کتاب: جهاد یا نفس (از وسائل الشیعه)

مؤلف: شیخ حرّ عاملی

مترجم: غلامحسین انصاری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: الوان سپهر

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۵۰۰۰ ریال

صفحه آرای: نادر شالیان

طراحی جلد: محمدرضا نبوی

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۶۸۰-۴

دفتر مرکزی:
تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲،
طبقه سوم
تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹
نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:
میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰
نمابر: ۸۸۹۰۳۸۴۳

Email: intipub@intipub.ir
www.intipub.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدید آور : متن کامل و ترجمه جهاد یا نفس از وسائل الشیعه
مشخصات نشر : تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۶۸۰-۴
وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
پادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nla.ir> قابل دسترسی است.
پادداشت : کتابنامه.
شناسه افزوده : انصاری، غلامحسین، ۱۳۲۷ -، مترجم
شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۰۹۸۹

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری،
اعم از زیراکس و باز نویسی، ذخیره ی کامپیوتری
اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و
بررسی، اقتباس در گیومه در مستند نویسی و مانند
آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق
مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۵	وجوب جهاد با نفس
۱۸	وظایف اعضای بدن
۳۳	گزیده‌ای از رساله حقوق امام سجاد علی‌ه السلام
۵۲	صفات پسندیده و به کار بردن آنها
۷۱	استحباب اندیشیدن و عبرت گرفتن از رویدادها
۷۳	استحباب فراگیری منش‌های پسندیده
۷۷	وجوب یقین به اینکه همه چیز دست خداست
۸۷	وجوب مسلط کردن عقل بر شهوت
۹۱	وجوب توکل کردن بر خدا
۹۴	جایز نبودن امیدواری به غیر خدا
۹۷	وجوب جمع کردن بین بیم و امید
۱۰۱	وجوب هراس از خداوند
۱۰۷	استحباب گریستن از خوف پروردگار
۱۱۳	وجوب خوش‌بینی به خداوند
۱۱۸	استحباب سرزنش کردن نفس
۱۲۰	وجوب اطاعت از خداوند
۱۲۴	صبر در اطاعت از خداوند و معصیت او
۱۳۰	وجوب تقوای الهی
۱۳۴	وجوب ورع و پرهیزگاری
۱۴۲	وجوب عفاف و پاکدامنی
۱۴۶	وجوب دوری کردن از کارهای حرام

- ۱۵۴..... وجوب ادا کردن واجبات
- ۱۵۷..... استحباب شکیبایی در تمام کارها
- ۱۶۴..... استحباب بردباری
- ۱۶۸..... استحباب نرم خوئی و ملایمت
- ۱۷۲..... استحباب فروتنی و تواضع
- ۱۷۹..... وجوب ترجیح دادن خشنودی پروردگار بر خواسته های خویش
- ۱۸۳..... وجوب عاقبت اندیشی
- ۱۸۶..... وجوب رعایت عدل و انصاف هر چند که به ضرر خود انسان باشد
- ۱۹۱..... توجه داشتن به عیب های خویش
- ۱۹۹..... وجوب عدالت ورزی و دادگری
- ۲۰۱..... ستایشگر عدالت باید عامل به آن باشد
- ۲۰۳..... وجوب اصلاح کردن نفس، هنگامی که به شر و بدی میل می کند
- ۲۰۶..... وجوب اجتناب از خطاها و گناهان
- ۲۱۴..... عاقبت پرهیز نکردن از گناه
- ۲۱۹..... وجوب اجتناب از خواسته ها و لذت های حرام
- ۲۲۱..... وجوب اجتناب از گناهان به ظاهر کوچک
- ۲۲۷..... حرام بودن کفران نعمت
- ۲۲۹..... وجوب دوری گزیدن از گناهان کبیره
- ۲۵۲..... توبه کردن از گناه کبیره
- ۲۵۸..... حرام بودن اصرار بر گناه
- ۲۶۰..... نمونه هایی از کارها و صفات حرام یا مکروه
- ۲۷۶..... حرام بودن ریاست طلبی در صورتی که انسان از عدالت خویش مطمئن نباشد
- ۲۸۱..... گمنامی و خانه نشینی
- ۲۸۴..... حرام بودن بهره گیری از دین برای دستیابی به دنیا
- ۲۸۶..... وجوب فرو نشاندن خشم
- ۲۹۳..... وجوب یاد کردن خدا در هنگام خشم

۲۹۵	حرام بودن حسد و وجوب اجتناب کردن از آن
۲۹۹	کارهایی که بخشیده می شوند
۳۰۱	حرام بودن تعصب برای غیر حق
۳۰۴	حرام بودن تکبر
۳۰۹	حرام بودن فخر فروشی، لاف زدن و تکبر
۳۱۴	تکبر چیست؟
۳۱۷	علاقه و دلبستگی به دنیای حرام
۳۲۰	استحباب زهد و پارسایی در دنیا
۳۲۸	استحباب واگذار کردن چیزهای زاید بر نیاز
۳۳۲	کراهت و ناپسندی حرص و رزی بر دنیا
۳۳۴	کراهت و ناپسندی مال و جاه طلبی
۳۳۶	مکروه بودن افسردگی و تنبلی
۳۳۸	مکروه بودن طمع
۳۴۱	مکروه بودن ناسازگاری و درشتی کردن
۳۴۲	حرام بودن بدخلقی
۳۴۴	حرام بودن سبک سری و شرارت
۳۴۷	حرام بودن فحش و بدزبانی و وجوب نگهداری زبان
۳۵۱	حرام بودن هرزه گویی و بی مبالاتی در سخن
۳۵۳	حرام بودن نسبت زن دادن، حتی به مشرکان
۳۵۵	حرام بودن تجاوز و سرکشی
۳۵۹	مکروه بودن فخر فروشی و مباحات
۳۶۲	حرام بودن سنگدلی و قساوت قلب
۳۶۴	حرام بودن ظلم و ستم
۳۶۹	وجوب بازگردانیدن اموالی که به ناحق گرفته شده است
۳۷۲	توبه کسی که عده ای را گمراه کرده است
۳۷۴	راضی بودن به ستم و یاری کردن ستمگر

۳۷۶.....	حرام بودن پیروی از خواسته‌های نامشروع نفس
۳۷۸.....	وجوب اعتراف گناهکار در پیشگاه خداوند
۳۸۱.....	وجوب پشیمانی از گناه
۳۸۴.....	وجوب پنهان کردن گناه و حرام بودن تظاهر به آن
۳۸۵.....	وجوب استغفار از گناه
۳۹۴.....	وجوب توبه کردن از همه گناهان
۴۰۰.....	وجوب توبه خالصانه و راستین
۴۰۳.....	استحباب روزه‌داری و غسل و نماز برای توبه
۴۰۵.....	جایز بودن توبه مجدد
۴۰۹.....	استحباب یادآوری گناهان
۴۱۱.....	استحباب بهره‌گیری از فرصت‌های خیر
۴۱۳.....	استحباب توبه و استغفار حتی بدون ارتکاب گناه
۴۱۶.....	صحت توبه در واپسین لحظات زندگی
۴۲۳.....	استحباب استغفار در سحرگاه
۴۲۵.....	توجه داشتن به اعمال و سپری شدن روزگار
۴۲۸.....	وجوب محاسبه و بررسی روزانه نفس
۴۳۵.....	وجوب پرهیز و تقوای بیشتر برای افراد بالاتر از چهل سال
۴۳۸.....	انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه
۴۴۱.....	صحیح بودن توبه شخص مرتد
۴۴۲.....	وجوب اشتغال داشتن به کارهای شایسته
۴۴۴.....	وجوب نگرانی از عرضه شدن اعمال بر خدا و پیامبر ﷺ

مقدمه مترجم

تأملی در مفهوم جهاد با نفس

به نام خداوند یکتا و یگانه، آفریدگار خرد، پارسایی، پاکدامنی، آرم و مهرورزی؛

درود بر محمد ﷺ خاتم رسولان، پیامبر رأفت، دادگری، انضباط، اعتدال، کار و تلاش، عزت نفس و نیکوکاری؛

سلام بر پیشوایان پاک سرشت از دودمان سربلند رسالت، راهنمایان انسان به نیک‌اندیشی، آزادمنشی، زندگی آرام و شرافتمندانه و پیشرفت معنوی و مادی.

به خاطر دارم که در روزگار نوجوانی و دوران تحصیل معارف دینی، روزی به خواست تنی چند از مؤمنان در جلسه‌ای به موعظه و بیان احکام اسلام پرداختم. یکی از مطالبی که در آن جلسه بیان کردم این روایت مشهور بود: «رسول اکرم گروهی از مسلمانان را برای جنگ با مشرکان فرستاد، آنها پس از جهاد و مبارزه موفقیت‌آمیز به مدینه بازگشتند. مصطفی ﷺ به آنان فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچک‌تر را انجام داده‌اند و جهاد بزرگ‌تر برای آنان باقی مانده است. یکی از اصحاب پرسید: ای رسول خدا، جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس»^۱

من در آن روز نه از نفس و خواهش‌های آن چیزی می‌دانستم، و نه دشواری مبارزه با نفس برایم قابل درک بود، ولی به لطف خدا با گذشت زمان و ورود به

عرصه زندگی اجتماعی، و خوشه چینی از خرمن دانش و فضیلت دانشمندان با اخلاص و عالمان اندیشمند، آن ابهامات تا حدودی برای بنده برطرف گردید، از این رو، اینک که توفیق ترجمه کتاب حاضر نصیب شده است، به منظور تبیین و روشن تر شدن مفهوم جهاد و مبارزه با نفس برای جوانان و مبتدیان، مطالب ناقابل زیر را تقدیم می دارم:

غرایز نیرومند و سرکش

آفریدگار حکیم و توانا به اقتضای علم و حکمتش، به منظور بقای نوع انسان و چرخیدن هر چه بهتر چرخ زندگی، غرایزی در وجود آدمیان آفریده، که از آن جمله است: میل به غذا و آب، گرایش جنسی، خشم، حب ذات، منفعت طلبی، دوست داشتن مال و جاه و مقام و...

برخی از این غرایز در جانوران نیز وجود دارد، با این تفاوت که غرایز آنها طبق هدایت تکوینی پروردگار ساماندهی شده، و در شوايط و موقعیت های ویژه به عمل درمی آید، و اعمال آن غرایز برای خود آنها یا نوعشان، یا محیطی که در آن به سر می برند، فساد ایجاد نمی کند، چنان که می بینیم بیشتر جانوران در زمان های معینی از سال به عمل لقاح و تولید مثل می پردازند، و فقط در هنگام گرسنگی به شکار و خوردن حیوانات دیگر اقدام می کنند.

ولی غرایز طبیعی انسان سیری ناپذیر و بی انتهاست، و میدان دادن به آنها سبب بدبختی افراد و ایجاد مشکلات فراوان برای جامعه است، مثلاً افراط و بی بندوباری در اعمال غریزه جنسی در دوران ما، سبب بروز ناهنجاری های اجتماعی، بیماری های روانی و آمیزشی مانند سوزاک، سیفلس، ایدز و... شده است، و در قرن های گذشته علاوه بر بیماری ها و نابسامانی روحی و اخلاقی، موجب تشکیل حرمسراها در دربار پادشاهان و اسارت زنان و دختران و محروم ساختن آنان از

زندگی سعادتمندانه بوده است، چنان‌که پروفیسور کریستن سن هنگام بحث دربارهٔ حکومت خسرو پرویز پادشاه ساسانی می‌نویسد:

«در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو در حرم داشت می‌بینیم، این شهریار هیچ‌گاه از این میل سیر نمی‌شد.»^۱

افراط در دوست داشتن قدرت و فزونی خواهی، جنگ‌های طولانی ایران و روم، کشورگشایی اسکندر مقدونی، آتیلای چنگیز خان مغول، نبردهای خونین اروپاییان با یکدیگر، استعمار و استثمار کشورهای آفریقایی و آسیایی و جنگ‌های اول و دوم جهانی را به دنبال داشت، که فقط در جنگ جهانی اول که از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی به طول انجامید، بنا به آماری که اخیراً به مناسبت یکصدمین سال آغاز آن جنگ از رسانه‌ها پخش شد، بیش از ده میلیون نفر کشته و نه میلیون نفر مجروح شدند.

مال دوستی و جاه‌طلبی نیز سبب حرام‌خواری، خیانت، دروغ‌گویی و ریاکاری است؛ سعدی (ره) آورده است:

«زاهدی مهمان پادشاهی بود، چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که ارادت او بود، و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او، تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند. چون به مقام خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند، پسری صاحب فراست داشت، گفت: ای پدر، باری به مجلس سلطان در، طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.»^۲

پیروی از هوای نفس یا ارضای بی‌قید و شرط غرایز، کارمند را به کم‌کاری، کاسب را به غش در معامله، احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی، سلطان را به استبداد

۱. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۳۳۹.

۲. کلیات سعدی، ص ۱۱.

و خودسری، عالم را به اطاعت و همراهی با سلطان، قاضی را به رشوه‌خواری، ثروتمند را به خست و بخل‌ورزی، کم‌درآمد را به دريوزگی و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشاند.

تعطیل کردن غریزه‌ها

جهاد با نفس به معنی تعطیل کردن غریزه‌ها یا بی‌توجهی به آنها نیست، بلکه به معنای متعادل کردن و به کاربردن آنها در محدوده قانون‌های الهی و هنجارهای صحیح اجتماعی است؛ مثل محدود کردن غریزه جنسی به ازدواج و آمیزش با همسر شرعی و قانونی، به کار بردن خشم هنگام تجاوز بیگانگان به آب و خاک و ناموس مردم، و دفاع جانانه از وطن و آیین و آداب صحیح و مورد قبول جامعه، دوست داشتن مال و ثروت برای خدمت به بندگان خدا، دفاع از ستمدیدگان و فراهم آوردن وسایل رفاه و پیشرفت مردم؛ همچنین مبدل کردن حسد به غبطه، اسراف به قناعت، بخل به سخاوت، ترس به شجاعت و دمنشی به عطفوت.

البته، محدود و متعادل کردن غریزه‌ها و مبارزه با خواسته‌های نامشروع نفس، یا همان دشمن درونی انسان، جهادی است بزرگ‌تر از جهاد با دشمنان بیرونی، چنان‌که مولوی در تفسیر حدیثی که در آغاز مقاله ذکر شد، می‌فرماید:

ای شهان کشتیم ما خصم برون	ماند خصمی زان بتر در اندرون
چون‌که واگشتم ز پیکار برون	روی آوردم بسه پیکار درون
قَدْ رَجَعْنَا مِنْ جِهَادِ الْأَصْغَرِ	با نبی اندر جهاد اکبریم
قوتی خواهم ز حق دریا شکاف	تا به سوزن برکنم این کوه قاف

سهل شیری دان که صف‌ها بشکند شیر آن را دان که خود را بشکند^۱ آری، مبارزه با نفس و جلوگیری از طغیان و سرکشی غرایز، واقعاً سخت و دشوار است، و به ایمانی قوی، اندیشه‌ای عمیق، همتی بلند، اراده‌ای پولادین و از همه مهم‌تر به توفیق الهی، و بهره‌گیری از آموزه‌های آسمانی و راهنمایی‌های انبیا و اولیا نیازمند است، چنان‌که مولوی برای این مبارزه از خداوند قدرتی دریاشکاف می‌خواهد، و نابغه بزرگ ایران، سعدی روشن ضمیر، در قالب مناجات و نیایش به درگاه پروردگار می‌فرماید:

خدایا، به عزّت ^۲ که خوارم مکن	به دُلّ گنه شرمسارم مکن
به لطفم بخوان و مران از دم	ندارد به جز آستانت سرم
تو دانی که مسکین و بیچاره‌ایم	فرومانده نفس آماره‌ایم
نمی‌تازد این نفس سرکش چنان	که عقلش تواند گرفتن عنان
که با نفس و شیطان برآید به زور	مصاف پلنگان نیاید ز مور
به مردان راهت که راهی بنده	وز این دشمنانم پناهی بنده ^۳

به همین دلیل، دانشمند بزرگوار جناب محمد بن حسن بن علی جیل عاملی، مشهور به شیخ حرّ عاملی متوفای سال ۱۱۰۴ هجری قمری، کتابی را که فراوی شماس، در ادامه کتاب جهاد «وسائل الشیعه» با عنوان «جهاد با نفس» به نگارش درآورده، که گلستانی است سرشار از گل‌های همیشه بهار سخنان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، که به راستی طبیب بیماری‌های نفسانی انسان هستند، و بهترین مؤثرترین داروها را برای درمان آنها پیشنهاد می‌کنند.

این بنده نیز کوشش فراوانی کرده‌ام که ترجمه آن صحیح و روان و قابل استفاده باشد، که البته نمی‌دانم در این راه چقدر موفق بوده‌ام.

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۷۱.

۲. به عزت، یعنی تو را به عزت و جلالت سوگند می‌دهم.

۳. کلیات سعدی، ص ۲۹۷ و ۲۹۸.

به هر حال، امید است این آموزه‌های آسمانی همواره مود توجه و آویزه گوشمان باشد، و با به کار بستن صادقانه و مخلصانه آنها، رفتار و کردارمان بیش از پیش رنگ و بوی الهی بگیرد.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمُعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّيَّةِ.

غلامحسین انصاری

۱۳۹۳/۱۰/۱۱ هجری شمسی

www.ketab.ir